

۱۲ گزارش ۳

گفت‌وگو «جوان» با مهدی انجیدینی مدیر شبکه اجتماعی ویراستی

تسهیم در آمد محتوا به خاطر تعارض منافع اجر انمی شود!

قطعاً نهادهای نظارتی مانند مجلس باید به موضوع ورود کنند و خواستار اجرای مصوبه شورای عالی فضای مجازی مبنی بر تسهیم در آمد محتوا نشوند، زیرا مزیت‌های این امر در نهایت به نفع اقتصاد ملی و کشور است.
ورود رئیس‌جمهور به موضوع نیز می‌تواند کمک‌کننده باشد.
■ ■ ■

سند سیاست‌ها و الزامات تعرفه‌گذاری ترافیک شبکه و تسهیم در آمد محتوا که در بهمن ۱۴۰۳ به تصویب شورای عالی فضای مجازی رسید و یک‌سال پیش ابلاغ شد، پاسخی ساختار یافته به نابرابری آشکار در زنجیره ارزش فضای مجازی کشور است.

تولیدکنندگان محتوای بومی از درآمد هفگفت حاصل از ترافیک اینترنت سهمی نمی‌برند و این سود به جیب اپراتورهای اینترنت می‌رود. این سند با هدف تمهید اقتصاد محتوا و ایجاد جهش در تولید محتوای بومی فاخر تدوین شده است.

اجرای این سند از چند منظر حیاتی است. نخست، اجرای دقیق این مصوبه باعث ایجاد عدالت اقتصادی با توزیع عادلانه درآمد بین تمام کنشگران زنجیره ارزش محتوا می‌شود. دوم، کاهش وابستگی به محتوای خارجی که هم‌اکنون بیش از ۹۰ درصد محتوای دیجیتال مصرفی در برخی حوزه‌ها را تشکیل می‌دهد نیز از دیگر دلایل ضرورت اجرای این مصوبه است. سوم، اصلاح ساختار تعرفه‌گذاری به گونه‌ای که مصرف ترافیک داخلی برای اپراتورها در اولویت قرار گیرد نیز بر ضرورت اجرای این مصوبه اضافه کرده است. اجرای سند راهبردی تسهیم در آمد محتوا نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی انکارناپذیر برای تحقق اقتصاد دیجیتال بومی، عدالت اجتماعی و حفظ استقلال فرهنگی در عصر ارتباطات است.

مهدی انجیدینی، مدیر شبکه اجتماعی ویراستی، در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به این موضوع که مصوبه شورای عالی فضای مجازی مبنی بر الزامات تعرفه‌گذاری ترافیک شبکه و تسهیم در آمد محتوا با منافع عده‌ای تعارض است و به همین دلیل اجرایی نمی‌شود، تصریح کرد: واقعیت این است که بر اثر مصوبه مورد بحث، قرار است تولیدکنندگان محتوا از درآمد حاصله سهم ببرند. این بدان معناست که درآمد برخی کم می‌شود. به همین دلیل ساد، تاکنون اجرای مصوبه مورد بحث به تأخیر افتاده است.



وی ادامه داد: همانطور که کارشناسان همگی تأکید می‌کنند، موضوع تولید محتوای با کیفیت در کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. اما نمی‌توان انتظار داشت که برخی در راه رضای خدا به تولید محتوای خوب بپردازند و آن را در فضای مجازی منتشر کنند.

مدیر شبکه اجتماعی ویراستی خاطر نشان کرد: اگر می‌خواهیم نسبت استفاده از ترافیک داخلی افزایش پیدا کند، راهکارش این است که به اجرای مصوبه شورای عالی فضای مجازی مبادرت نشود، اما تعارض منافع عده‌ای مانع از این کار است.

انجیدینی گفت: اجرای سند راهبردی مصوب شورای عالی فضای مجازی، زمینه‌ساز بهرمندی تولیدکنندگان محتوا از درآمد حاصل از تولیدات‌شان است. این امر به افزایش عدالت اجتماعی در جامعه کمک می‌کند.

وی ادامه داد: وقتی افراد بدانند که در ازای تولید محتوای با کیفیت درآمدی کسب می‌کنند، انگیزه پیدا می‌کنند که تلاش بیشتری در این راستا داشته باشند. همین امر، زمینه‌ساز تولید محتوای باکیفیت در کشور می‌شود.

انجیدینی گفت: اگر قرار است فرهنگ بومسوی ایرانی رادر کشور ترویج کنیم، نیازمند ابزارهایی هستیم. باید در این زمینه تنظیم‌گری صورت بگیرد. وقتی تمام منافع حاصل از تولید محتوا به جیب اپراتورهای اینترنت می‌رود، انگیزه‌ای برای تولیدکنندگان محتوا باقی نمی‌ماند که فعالیت مؤثری در این زمینه داشته باشند.

وی ادامه داد: سهم بردن تولیدکنندگان محتوا از منفعت اقتصادی حاصل از تولیدات، در دنیا نیز سابقه دارد و مختص ایران نیست. به طور مثال، کسی که محتوایی رادر یوتیوب منتشر می‌کند، به ازای هر تماشا و ترافیک اینترنت مصرف‌شده، درآمدی کسب می‌کند.

مدیر شبکه اجتماعی ویراستی خاطر نشان کرد: فضای مجازی یک بستر نوین است و باید دولت به تنظیم قواعد درست در این زمینه بپردازد. اجرای دقیق مصوباتی که در این زمینه تدوین می‌شوند، می‌تواند کمک‌کننده باشد.

انجیدینی گفت: تا وقتی دستگاه‌های مجری مجاب نشوند که باید به اجرای مصوبات قانونی از جمله تسهیم درآمد محتوا بپردازند، عملاً تنظیم‌گری در حوزه تولید محتوا در کشور اتفاق نمی‌افتد.

وی ادامه داد: تحقق اهدافی همچون ارتقای ارزش اقتصادی ترافیک داخلی، تحقق بخشی به اقتصاد محتوای فرهنگی در کشور، مزیت بخشی اقتصادی و ارتقای ارزش خدمات پایه و کاربردی بومی در جهت تقویت تولید محتوای فاخر و شایسته مصرف، در گروی اجرای دقیق سند راهبردی تسهیم درآمد محتواست. در غیر این صورت، اهداف تعیین‌شده در حد حرف و شعار باقی می‌مانند.

۱۲ گزارش یک

زیب‌دزین

اطلس اقلیمی جدید ایران قرار است پس از حدود ۲۵ سال جایگزین مجموعه داده‌های قدیمی شود و آخرین اطلاعات ثبت‌شده در ایستگاه‌های هواشناسی کشور را در قالبی کاربردی برای شناساخت الگوهای دما، بارش و وضعیت اقلیمی مناطق مختلف گردآوری کند. به‌زعم کارشناسان، ضرورت این اقدام از آنجا ناشی می‌شود که تصمیم‌گیری درباره آب، کشاورزی، انرژی، زیرساخت و مدیریت بحران بدون داده‌های به‌روز اقلیمی، هزینه و ریسک بیشتری ایجاد می‌کند. همزمان، توسعه سامانه هشدار سیل و زیرساخت‌های خودکار سازی ایستگاه‌ها، دامنه استفاده از این اطلاعات را افزایش می‌دهد و مجموعه این اقدامات، در صورت اتصال به فرآیند بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی، ظرفیت تبدیل داده‌های هواشناسی به ابزار سیاستگذاری و کاهش خسارت را تقویت می‌کند.
■ ■ ■

اطلس اقلیمی در ظاهر یک محصول تخصصی هواشناسی است. اما کارکرد آن به محدوده این سازمان ختم نمی‌شود. قاعدتاً داده اقلیمی وقتی ارزش اقتصادی پیدا می‌کند که دستگاه‌های اجرایی، سرمایه‌گذاران و فعالان بخش خصوصی بتوانند بر پایه آن درباره محل استقرار فعالیت، میزان سرمایه‌گذاری، طراحی زیرساخت و مدیریت ریسک تصمیم بگیرند. دمای متوسط، الگوی بارش، توزیع زمانی بارندگی و تغییرات اقلیمی هر منطقه از جمله متغیرهایی هستند که هزینه اجرای بسیاری از طرح‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

قدیمی بودن اطلس موجود، از همین زاویه یک مسئله سیاستگذاری محسوب می‌شود، چراکه داده‌های اقلیمی طی دو دهه و نیم گذشته در معرض تغییرات متعددی قرار گرفته‌اند. افزایش دما، تغییر الگوی بارش و تکرار دوره‌های خشکسالی و بارش‌های شدید، استفاده از داده‌های تاریخی بدون بازنگری را برای برخی تصمیم‌های بلندمدت پرریسک‌تر کرده است. بنابراین نسخه جدید قرار است این فاصله اطلاعاتی را با استفاده از داده‌های تازه ایستگاه‌های هواشناسی کاهش دهد.

این به‌روزرسانی برای بخش آب اهمیت مستقیمی دارد، زیرا تخصیص منابع آب، طراحی شبکه‌های انتقال، مدیریت سدها و برنامه‌ریزی برای مصرف کشاورزی به شناخت دقیق‌تر رفتار بارش و دما وابسته است. هرچه اطلاعات منطقه‌ای دقیق‌تر باشد، امکان تفکیک مناطق پرریسک از مناطق دارای ظرفیت بیشتر می‌شود و منابع محدود با خطای کمتری تخصیص پیدا می‌کنند. ضمناً در اقتصادی که آب به یکی از محدودکننده‌های اصلی توسعه تبدیل شده، کیفیت داده اقلیمی بخشی از کیفیت تصمیم اقتصادی است.

کشاورزی نیز از نخستین بخش‌هایی است که از چنین داده‌ای اثر می‌پذیرد، به طوری که انتخاب الگوی کشت، زمان کاشت و برداشت، نیاز آبی محصولات

اقتصاد

سرویس اقتصادی۶۰۴۰۸۵۲۳

به‌منظور به‌روزرسانی اطلاعات اقلیمی برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آینده

هوای اطلس اقلیمی کشور تازه می‌شود

به‌روزرسانی داده‌های اقلیمی پس از ۲۵ سال، همزمان با توسعه سامانه‌های هشدار و زیرساخت‌های بومی هواشناسی، ظرفیت سیاستگذاری دقیق‌تر در حوزه آب، کشاورزی و مدیریت بحران را تقویت می‌کند



سال گذشته، با وجود محدودیت‌های ناشی از شرایط جنگی، ۷۰ ایستگاه و طرح هواشناسی به بهره‌برداری رسید. همین ارقام نشان می‌دهد تولید داده جدید صرفاً به تهیه یک سند یا نقشه محدود نیست و به توسعه یک شبکه فیزیکی برای جمع‌آوری اطلاعات نیاز دارد.

توسعه تجهیزات داخلی نیز از منظر اقتصادی اهمیت دارد. استفاده از ظرفیت فنی کشور برای تولید و نصب گنبد رادار هواشناسی کرمانشاه، نمونه‌ای از انتقال بخشی از نیازهای فنی این حوزه به توان داخلی است. به دست رویکردی در صورت استمرار، هزینه تأمین تجهیزات و زمان اجرای پروژه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و همزمان دانش فنی ایجادشده را در داخل کشور نگه می‌دارد.

سامانه بومی «آی‌سی‌اس» نیز در همین زنجیره قرار می‌گیرد که یکی از دو رکن خودکارسازی ایستگاه‌های هواشناسی کشور معرفی شده و سه فاز آن عملیاتی شده است. اجرای فاز چهارم در سال جاری، در صورت تحقق برنامه اعلام‌شده، ظرفیت جمع‌آوری و مدیریت خودکار داده‌ها را بیشتر خواهد کرد. اهمیت اقتصادی این تحول در کاهش فاصله میان ثبت داده و استفاده عملی از آن قرار دارد، زیرا داده‌ای که دیر به دست تصمیم‌گیرنده برسد، بخشی از ارزش خود را از دست می‌دهد.

نقطه تکمیلی این زنجیره، سامانه هشدار سیل است. فاز نخست این سامانه در سال ۱۴۰۱ به بهره‌برداری رسید و فاز دوم طبق برنامه تا پایان سال آماده خواهد شد. هشدار سریع‌تر، به دستگاه‌های امدادی، مدیریت شهری و حتی فعالان اقتصادی فرصت بیشتری برای واکنش می‌دهد. خسارت سیل فقط هزینه تخریب ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها نیست و توقف تولید،

اختلال حمل‌ونقل، آسیب به زنجیره تأمین و کاهش درآمد خانوارها نیز در محاسبه هزینه اقتصادی آن قرار می‌گیرد.

در نتیجه، توسعه هشدار سیل را باید در کنار اطلس اقلیمی دید. اطلس، شناخت بلندمدت‌تری از الگوهای اقلیمی فراهم می‌کند و سامانه هشدار، همین دانش را برای مدیریت بحران و اقدامات اضطراری به کار می‌گیرد. اما اتصال این دو سطح از اطلاعات، یعنی شناخت بلندمدت و هشدار کوتاه‌مدت، ظرفیت تصمیم‌گیری در مدیریت بحران را افزایش می‌دهد.

■ **مزیت‌آیی با ورود داده به بودجه و برنامه‌ریزی**

تأسیس نخستین مرکز منطقه‌ای اقلیم غرب آسیا در تهران نیز یک لایه دیگر به این روند اضافه کرده است، به طوری که راه‌اندازی پورتال اطلاع‌رسانی این مرکز و ارائه خدمات اقلیمی به کشورهای همسایه، نشان می‌دهد داده‌های اقلیمی فقط مصرف داخلی ندارند و امکان تبدیل شدن به یک ظرفیت علمی و خدماتی منطقه‌ای نیز وجود دارد. حضور متخصصان ایرانی در ساختارهای منطقه‌ای و بین‌المللی نیز از همین منظر اهمیت پیدا می‌کند. طبق اعلام سازمان هواشناسی، حدود ۲۲ نفر از کارشناسان این سازمان اخیراً در اتحادیه منطقه‌۲ آسیا صاحب جایگاه‌های کارشناسی و مدیریتی شده‌اند. همچنین شش ایرانی با حمایت سازمان به‌عنوان مؤلف و سرمؤلف در گزارش هفتم IPCC مشارکت کرده‌اند. این حضور، به صورت تبدیل شدن به همکاری‌های پژوهشی و انتقال دانش، ظرفیت ارتباط علمی کشور با شبکه‌های بین‌المللی اقلیم را تقویت می‌کند. با این حال، ارزش واقعی این زیرساخت‌ها به میزان استفاده دستگاه‌های اقتصادی از آنها وابسته است.

«ارز مینا» پیشنهاد تهران برای تجارت با اوراسیاست

که‌بنگاه‌برای پوشش ریسک مالی در قیمت کالالاحاظ می‌کند نیز امکان کاهش پیدا می‌کند. در مذاکرات اخیر، موضوع ارز مینا در کنار مسئله دیگری مطرح شده که از تباط مستقیمی با هزینه تجارت دارد و آن تعیین نمایندگان ویژه برای پیگیری مشکلات میان دو طرف است. این نمایندگان قرار است موانع اداری، مقرراتی، گمرکی و مالیاتی را دنبال کنند و همین ترکیب نشان می‌دهد نگاه مذاکرات صرفاً به یک مسئله‌ارزی محدود نیست و هدف، کاهش مجموعه‌ای از اصطکاک‌هایی است که در مسیر تجارت قرار دارند.

برای درک اهمیت این موضوع کافی است به تفاوت میان «هزینه تعرفه‌ای» و «هزینه مبادله» توجه‌شود. تعرفه رقمی است که در مقررات گمرکی مشخص می‌شود و با اجرای توافق تجارت آزاد بخش بزرگی از آن حذف شده است، اما هزینه مبادله مجموعه‌ای از هزینه‌های دیگر مانند زمان، حمل‌ونقل، اسناد، تشریفات اداری، تبدیل ارز، انتقال پول و ریسک قراردادرادربری می‌گیرد و ممکن است حتی بدون تغییر تعرفه، قیمت نهایی تجارت را افزایش دهد.

به همین دلیل، پیشنهاد ارز مینا در کنار حل مشکلات گمرکی و اداری معنا پیدا می‌کند. اگر یک صادرکننده از کاهش تعرفه بهره‌مند شود، اما برای دریافت پول، انجام تشریفات یا رفع اختلافات تجاری با موانع متعدد مواجه باشد، بخشی از مزیت توافق تجارت آزاد عملاً از بین می‌رود. هدف مذاکرات جدید این است که فاصله میان امتیازهای روی کاغذ و تجربه واقعی بنگاه‌ها در بازار کمتر شود.

■ **بازار ۱۸۰ میلیون نفری برای اجرای توافق** اتحادیه اقتصادی اوراسیا شامل روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان است. براساس اطلاعات اعلام‌شده، بازار این کشورها بیش از ۱۸۰ میلیون نفر جمعیت دارد و از نظر ظرفیت بازار قابل توجه است، اما صرف دسترسی به چنین جمعیتی تضمین‌کننده رشد صادرات ایران نیست. بنگاه ایرانی برای حضور پایدار در این بازار باید بتواند محصول رقابتی عرضه کند و هزینه‌های مالی،

حمل‌ونقل و اداری خود را نیز کنترل کند.

در این چارچوب، ارز مینا می‌تواند یکی از اجزای سازوکاری باشد که هزینه و ریسک تجارت را پایین می‌آورد. اگر طرفین بتوانند یک روش روشن برای ارزش‌گذاری معاملات طراحی کنند و در کنار آن، مسیر انتقال وجوه و تسویه را نیز عملیاتی کنند، صادرکننده ایرانی با اطمینان بیشتری وارد قراردادهای تجاری خواهد شد. قراردادهای بلندمدت نیز در چنین فضایی قابلیت بیشتری برای توسعه پیدا می‌کنند، زیرا بنگاه‌ها راحت‌تر می‌توانند درآمد و هزینه خود را پیش‌بینی کنند. از طرف دیگر، این توافق فقط به صادرات ایران محدود نمی‌شود. با اجرای تجارت آزاد، شرکت‌های کشورهای عضو اوراسیا نیز امکان دسترسی گسترده‌تری به بازار ایران پیدا می‌کنند و افزایش تجارت دوطرفه می‌تواند هم فرصت صادرات ایجاد کند و هم مسیر ورود کالا، مواد اولیه و تجهیزات را تغییر دهد. اثر نهایی این فرآیند به ترکیب کالاهای مبادله‌شده و توان تولیدکنندگان ایرانی برای استفاده از فرصت ایجادشده وابسته خواهد بود.

ایران از اعضای ناظر اتحادیه اقتصادی اوراسیاست و مذاکرات اخیر نشان می‌دهد تهران قصد دارد روابط اقتصادی با این مجموعه را از سطح توافق‌های تعرفه‌ای به سمت سازوکارهای اجرایی تر ببرد. برنامه‌ریزی برای برگزاری دومین کارگروه مشترک ایران و اتحادیه در تهران نیز فرصتی ایجاد می‌کند تا پیشنهادها مطرح‌شده در مسکو وارد مرحله بررسی دقیق‌تر شوند.

در نهایت، موفقیت ایده ارز مینا به جزئیات اجرایی آن وابسته است. اگر این ارز صرفاً در سطح یک واحد حسابیاتی باقی بماند و مسیر تسویه همچنان پیچیده باشد، اثر آن بر تجارت محدود خواهد شد، اما اگر تعیین ارز مینا همراه با یک سازوکار روشن برای پرداخت، تسویه، حل اختلاف و هماهنگی بانکی پیش برود، بخشی از ریسک معامله کاهش پیدا می‌کند.